

"بخش دوم"  
ماتریالیسم تاریخی

# نبرد بی امان طبقات در ایران

امیر نیک آئین

## فصل هفتم- تئوری مارکسیستی- لنینیستی طبقات اجتماعی و مبارزه طبقاتی

میهن ما ایران در طول هزاران سال پس از تلاشی نظام اشتراکی اولیه تا دوران معاصر، اشکال مختلف نبرد طبقاتی را به خود دیده و تاریخ ما نام ها و صفحات درخشانی را در این نبرد بهره دهان علیه بهره کشان ثبت کرده است. مزدک و مانی و قرن های دراز پیروان آنها، زنگیان و زنداقه، سپید جامگان و سرخ علمان، ماهانیان و خرم دینان، صوفیان و اسماعیلیان همه نام ها و رویدادهایی است افتخار آفرین، جلوه گاه یک نبرد طبقاتی دیرپا و خستگی ناپذیر؛ نمودارهایی از اشکال مختلف قیام های توده ای گاه مستقیم و آشکارا و گاه زیر پرچم الحاد مذهبی علیه اشرافیت و زور، علیه خلاقیت و ستمگری، علیه بهره کشی و اشکال مالکیت حاکم.

### درس ۷۲ - مبارزه طبقاتی در نظام های مختلف

دو مسئله، یکی مبارزه طبقاتی در جوامع مختلف و دیگری اشکال سه گانه مبارزه طبقاتی، جای ویژه ای در تئوری مارکسیستی- لنینیستی طبقات و مبارزه طبقاتی دارد. البته بحث تفصیلی این مسائل در علوم نظیر جامعه شناسی و تاریخ و سوسیالیسم علمی انجام می شود. با این حال در علم فلسفه اجتماع و تاریخ نیز باید به رئوس مطالب اشاره کرد. مسئله اول و روند مبارزه طبقاتی در طول تاریخ در جوامع مختلف در واقع درستی این حکم لنین را نشان می دهد که می گوید: "محرک واقعی تاریخ، مبارزه انقلابی طبقات است.

(۱)

در جوامع ما قبل سرمایه داری مبارزه طبقاتی اشکال گوناگون داشت. در برده داری، مبارزه بردگان از خراب کردن ابزار تولید گرفته تا قیام های عظیم توده ای نظیر قیام اسپارتاکوس اشکال مختلفی بخود گرفت. در صورتبندی فئودالیسم نبرد اساسی طبقاتی بین دهقانان و فئودال ها جریان داشت که اغلب زحمتکشان شهرها و پیشه وران به آن می پیوستند. قیام های زحمتکشان و بهره دهان و جنگ های دهقانی سراسر تاریخ فئودالیسم را پوشانده است. میهن ما ایران در طول هزاران سال پس از تلاشی نظام اشتراکی اولیه تا دوران معاصر، اشکال مختلف نبرد طبقاتی را به خود دیده و تاریخ ما نام ها و صفحات درخشانی را در این نبرد بهره دهان علیه بهره کشان ثبت کرده است. مزدک و مانی و قرن های دراز پیروان آنها، زنگیان و زنداقه، سپید جامگان و سرخ علمان، ماهانیان و خرم دینان، صوفیان و اسماعیلیان همه نام ها و رویدادهایی است افتخار آفرین، جلوه گاه یک نبرد طبقاتی دیرپا و خستگی ناپذیر؛ نمودارهایی از اشکال مختلف قیام های توده ای گاه مستقیم و آشکارا و گاه زیر پرچم الحاد مذهبی علیه اشرافیت و زور، علیه خلاقیت و ستمگری، علیه بهره کشی و اشکال مالکیت حاکم. استخوانبندی اساسی تاریخ میهن ما، نه سرگذشت سلاطین و کشورگشایان، بلکه روند نبردهای بی پایان خواران علیه ارجمندان، افتادگان علیه بلند مرتبه گان است. زندگی و سرنوشت شاهان و فرماندهان، منقرض کنندگان سلسله ها و بنیان گذاران سلسله ها نیز در این متن قرار دارد. تاریخ میهن ما هنوز باید عمیقا و علما آموخته شود ولی این نکته هم اکنون بی تردید است که ستون فقرات آن، نیروی به پیش برنده و تکامل دهنده آن نبرد ستمکشان علیه

بهره‌کشان، فعالیت سازنده مادی و معنوی زحمتکشان، مبارزه توده‌های مردم ایران بوده است.

هر چند این جوامع پیشتر می‌رفت، مبارزه طبقاتی حادث‌تر و آشکارتر صریح‌تر می‌شد. در طول هزاران سال، قیام توده‌های مردم، چه دربرده‌داری و چه در فئودالیسم، نتوانست به استنمار پایان دهد و طبقات و نبرد طبقاتی را از حیات جامعه بزدايد، زیرا که هنوز شرایط لازم فراهم نبود، سطح تولید هنوز امکان‌گذار جامعه به نظام فارغ از استنمار را نمی‌داد، توده مردم نه متشکل بودند و نه هدف مشخص و تئوری علمی راهنمایی داشتند؛ نه راه نیل به خواسته‌ها و آرمان‌های خویش را می‌دانستند و نه از حزب پیشاهنگ و ستاد رهبری مبارزه می‌توانست خبری باشد. همه این شرایط تنها در دوران معینی از رشد سرمایه‌داری ایجاد می‌شود. با اینهمه در فرم‌اسیون‌های ماقبل سرمایه‌داری، مبارزه طبقاتی، قیام‌های بردگان و دهقانان، جنگ‌های توده‌ها و زحمتکشان و حق‌طلبان پایه‌های جامعه کهنه را متزلزل کردند و نقش عظیم مترقی-درجهت سیرتاریخ-داشتند و اساسی‌ترین نیرو را در تحرک و جلو راندن جامعه و آماده کردن زمینه تحولات تشکیل می‌دادند.

(۲)

در جامعه سرمایه‌داری که آخرین نظام مبتنی بر استنمار است، مبارزه طبقاتی شدت بی‌سابقه‌ای می‌یابد. پرلتاریا، طبقه کارگر جامعه مدرن سرمایه‌داری، که مترقی‌ترین، متشکل‌ترین و آگاه‌ترین طبقه جامعه است در راس این نبرد قرار دارد. این مبارزه در حیات اقتصادی، در امر تولید، در تکامل فن و بویژه در حیات سیاسی و اجتماعی و معنوی جامعه نقش محرکه عمده ایفا می‌کند. در تمام روندها و پدیده‌های اجتماع کنونی، اعم از بین‌المللی و ملی در هر سطح و زمینه‌ای، مهر این مبارزه عظیم طبقاتی هویدا است. چارچوب عمومی و شرایط کنونی نبرد طبقاتی کدام است؟ در حال حاضر این نبرد در شرایط تبدیل سیستم جهانی سوسیالیسم به عامل تعیین‌کننده تکامل جامعه بشری، در شرایط گذار تمامی جامعه بشری، در مقیاس جهانی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، در شرایط بحران عمومی سرمایه‌داری جریان می‌یابد. این شرایط عمومی و جهانشمول را در هر نبرد طبقاتی، در هر جای جهان باید در نظر داشت، شرایطی که زمینه را بسود طبقه کارگر و زحمتکشان عمیقاً تغییر داده است.

ویژگی‌های مبارزه طبقاتی در مرحله کنونی چیست؟

ویژگی مهمی که مبارزه طبقاتی پرلتاریا علیه سرمایه‌داری و استنمار پیدا کرده یکی اینست که این مبارزه به نحو فزاینده‌ای با مبارزه عمومی خلق‌ها به خاطر استقلال ملی، با مبارزه به خاطر صلح عجین شده و در هم می‌آمیزد. لبه تیز این مبارزات و نبرد مشترک متوجه امپریالیسم و انحصارات است. همین امر اتحاد نیروهای هوادار سوسیالیسم و برچیدن استنمار را با نیروهای استقلال طلب و نیروهای دمکراتیک ضد استبدادی امکان‌پذیر می‌سازد. ویژگی دیگر اینکه در عصر حاضر مبارزه طبقاتی تنها مبارزه طبقات متخاصم در درون هر کشور نیست بلکه علاوه بر آن مبارزه‌ای است عام و جهانگیر، در تمام سطوح بین سیستم جهانی سوسیالیسم و سیستم جهانی سرمایه‌داری. این نبرد عظیم که دارای شکل‌های اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک و فرهنگی و دیپلماتیک و غیره است در سرپای رشد جامعه بشری و سیر حوادث، در همه جا، تاثیر ژرف بجای می‌گذارد.

(۳)

در مرحله معینی از رشد سرمایه داری، رشد مبارزه طبقاتی ناگزیر پرتاریا را بسوی انجام انقلاب سوسیالیستی سوق می دهد. پس از انقلاب سوسیالیستی و اجتماعی کردن مالکیت و وسائل تولیدی و سلب قدرت از طبقات بهره کش بتدریج راه بسوی جامعه بدون طبقه گشوده می شود. اما بلافاصله پس از این انقلاب مرحله گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم فرا می رسد که در این مرحله نیز مبارزه طبقاتی با اشکال و ماهیت تازه ای ادامه پیدا می کند. بورژوازی که پس از این انقلاب از اریکه قدرت سرنگون شده، البته بهیچوجه با برقراری قدرت زحمتکشان سرسازگاری و آشتی ندارد و به محو مالکیت خصوصی بر وسائل تولید تن در نمی دهد و به مقاومت بیرحمانه و سرسختانه ای دست می یازد. این خود یکی از علل ادامه مبارزه طبقاتی در مرحله گذار به سوسیالیسم است.

وسائل بورژوازی در این نبرد علیرغم آنکه قدرت دولتی را از دست داده عبارتست از: استفاده از مواضع اقتصادی، از ارتباطات با اقدار فوقانی کارمندان و روشنفکران و متخصصین ارتشی و کشوری از روابط با سرمایه داری حاکم در خارج. طریق عمل بورژوازی مغلوب در برابر پرتاریا عبارت است از: فلج کردن حیات اقتصادی، کار شکنی، کودتا سازی، سوء قصد، خرابکاری، تأثیر در افکار توده ها، شایعه پراکنی، در همه این احوال و در مورد همه این طرق بورژوازی مغلوب به یاری سرمایه بین المللی و امپریالیسم متکی است.

اما از آنجا که پرتاریا پس از انقلاب سوسیالیستی از لحاظ سیاسی مسلط است و مواضع کلیدی اقتصاد را بدست می گیرد، علیرغم آنکه در دوران گذار مبارزه طبقاتی از بین نمی رود، متناسب با شرایط نوین، اشکال و حیظه عمل تازه ای پیدا می کند. در این مرحله، اشکال نوین مبارزه طبقاتی عبارتند از سرکوب مقاومت بهره کشان که حتی ممکن است کار را به جنگ داخلی به مثابه حادثه ترین شکل مبارزه طبقاتی بین پرتاریا و بورژوازی بکشاند، مبارزه برای تحولات سوسیالیستی کشور، برای بدست گرفتن رهبری توده های غیر پرتاری، برای استفاده از کارشناسان بوژوا و جلب آنان به کار بخاطر اعتلای کشور، برای پیشبرد ایدئولوژی پرولتری و پیروزی در زمینه اندیشه ای، برای رشد و تعالی اجتماع و بهبود مداوم وضع زندگی مادی و معنوی زحمتکشان. بنابراین در مورد مبارزه طبقاتی در مرحله گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و وجود دیکتاتوری پرتاریا باید از دو افراط برحذر ماند. یکی غلو در آن، به این معنا که گویا به میزانی که جامعه پیش می رود و سوسیالیسم موفقیت های تازه ای کسب می کند، مبارزه طبقاتی شدت بیشتری می یابد، حادثه می شود. (همانطور که در عمل و در دوران کیش شخصیت استالین دیده شد چنین نظری محمل ناصوابی برای روش های ضد قانونی و سرکوب های بی اساس و عدم احترام به حقوق دمکراتیک مردم پرتاریا بوجود می آورد.) دیگری نادیده گرفتن یا کم بها دادن به آن، به این معنا که عرصه بسیار وسیع و متنوع این نبرد درک نشود و مطابق شرایط نوین و متناسب با اشکال تازه آن عمل نگردد. (چنین برداشتی در عمل منجر به شکست در این یا آن سنگر مبارزه واقعی طبقاتی می گردد.)

پس از گذار از این مرحله و بدنبال تحولات عمیق و دورانساز حاصله، در جامعه دو طبقه دوست یعنی کارگران و دهقانان و همچنین روشنفکران زحمتکش سوسیالیستی باقی می ماندند که دیگر بین آن ها مبارزه از نوع مبارزه بین طبقات متخاصم وجود ندارد زیرا که هیچیک از آن ها استثمار کننده کار دیگری نیست و هیچیک چنان مناسبات ویژه ای با وسائل تولید، یعنی چنان اشکال مالکیتی ندارد که بتواند ستم گرو بهره کش گردد. همه آن ها در ضمن تفاوت ها و منافع ویژه خود، در رشد مداوم جامعه و پیشرفت به سوی کمونیسم و برانداختن هر گونه تفاوت طبقاتی و در نتیجه محو کامل "طبقه اجتماعی" نفع مشترک دارند.

آیا در این مرحله هرگونه شکلی از مبارزه طبقاتی از بین می رود؟ تا هنگامی که درجهان سیستم سرمایه داری وجود دارد، مبارزه طبقاتی زحمتکشان کشور های سوسیالیستی علیه بورژوازی امپریالیستی ادامه خواهد یافت و این یکی از ویژگی های نبرد طبقاتی در زمان حاضر است: نبردی در پهنه گیتی. پس از محو طبقات بهره کش و اصل بهره کشی فرد از فرد در داخل، لبه تیز مبارزه متوجه صحنه بین المللی می شود و همچنین عرصه وسیع مبارزه ایدئولوژیک را در بر می گیرد. از اشکال متنوع نبرد در صحنه بین المللی قبلا نام بردیم. همزیستی مسالمت آمیز یکی از اشکال این مبارزه دائمی طبقاتی است که هدفش طرد جنگ از حیطه مناسبات بین دول بوده و تحقق آن افشای مداوم توطئه های امپریالیست ها و تقویت هوشیاری و هم بستگی با تمام نیروهای هواخواه سوسیالیسم، دمکراسی، صلح و استقلال و توجه به نیروهای دفاعی و مقاومت در مقابل هرگونه تجاوز را ضرور می کند. این شیوه نبرد طبقاتی (همزیستی مسالمت آمیز بین دول) عرصه ایدئولوژیک را در بر نمی گیرد یعنی در عرصه ایدئولوژیک هیچگونه همزیستی نمی تواند وجود داشته باشد.

کمونیستها با تکیه به وجود عینی طبقات و با درک اهمیت و نقش مبارزه عینی طبقاتی در اجتماع، به خاطر ایجاد جامعه بدون طبقه، به خاطر از بین بردن مبارزه طبقاتی و ایجاد وحدت واقعی بین همه افراد جامعه- که جز از راه نابودی استثمار و ستم ممکن نیست می رزمند.

راه توده ۱۳۴ ۲۸,۰۵,۲۰۰۷